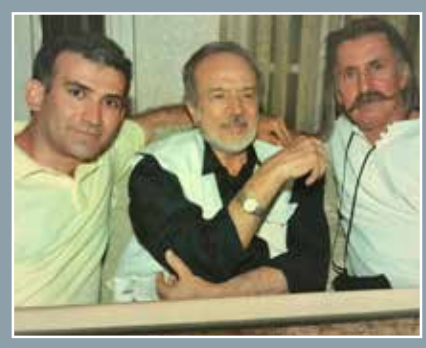








آن زمان مشغول گذراندن امتحانات سال چهارم دبیرستان بودم که به آتلیه آقای حاج‌ملکی، با نام «شهلا»، رفتم. آتلیه در انتهای پاساژ قرار داشت و پر از عکس شخصیت‌های سیاسی کشور و اعضای دربار بود. در آنجا چشمم به عکس بزرگی افتاد که در مغازه قاب شده بود و سطح آن پر از دانه‌های ریز بود. آقای حاج‌ملکی از من پرسید چرا این‌قدر با دقت به عکس نگاه می‌کنم. پاسخ دادم چون از فیلم ۱۳۵ استفاده کرده‌اید، عکس بعد از چاپ در ابعاد بزرگ دانه‌دانه می‌شود. از من پرسید برای رفع این مشکل چه کاری می‌توان انجام داد. توضیح دادم که باید هنگام چاپ، مقدار برومور نقره را کاهش داد. گفتم می‌توانم این مشکل را برطرف کنم. او هم از من خواست این کار را انجام بدهم.

عکس را به داخل آتلیه بردم و حدود نیم ساعت روی صورت سوژه کار کردم. پس از چاپ مجدد، عیب عکس برطرف شد. آقای حاج‌ملکی از من پرسید آیا دوست دارم آنجا کار کنم؟ پیشنهادش را پذیرفتم و کارم را در آن مغازه آغاز کردم.

○ آیا در این آتلیه حقوق هم دریافت می‌کردید؟

بله، حقوق قابل‌توجهی دریافت می‌کردم. از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۲ در این آتلیه مشغول به کار بودم.

○ چگونه وارد مدرسه عالی تلویزیون شدید؟

بعد از گرفتن دیپلم، در یکی از نشریات آگهی پذیرش دانشجو در مدرسه عالی تلویزیون را دیدم. در آن دوران هنوز دانشکده سینما و تلویزیون راه‌اندازی نشده بود. پس از شرکت در آزمون و قبولی، در سال ۱۳۴۹ وارد دوره دوم مدرسه عالی تلویزیون شدم. در دوره اول، فرهاد صبا، جعفریان و مهدی شکیبا تحصیل کرده بودند که پس از پایان دوره جذب تلویزیون شدند.

○ در مدرسه عالی تلویزیون با چه هنرمندانی هم‌دوره بودید و چه کسانی از آن جمع بعدها فعالیت هنری خود را ادامه دادند؟

در دوره ما افراد کمی بودند که بعدها فعالیت هنری خود را ادامه دادند.

○ چه استادانی در مدرسه عالی تلویزیون تدریس می‌کردند؟

فریدون میرفخرایی در این دوره دوساله، فیلم‌برداری تلویزیونی را به ما آموزش می‌داد و فرخ غفاری نیز تدریس کارگردانی سینما را بر عهده داشت.

○ محل برگزاری کلاس‌های مدرسه عالی تلویزیون در کجا بود؟

در خیابان عباس آباد سابق جنب سینما شهر فرنگ بود.

○ بعد از فارغ‌التحصیلی وارد تلویزیون شدید؟

بله، بعد از گذرانیدن دوره دو ساله به عنوان دستیار فیلمبردار در تلویزیون مشغول به کار شدم.

○ اولین کارتان را با چه فیلمبرداری انجام دادید؟

در یک برنامه استودیویی مربوط به اتاق عمل دستیار فرهاد صبا شدم و بعدش با محمدحسین جعفریان همکاری کردم. در یک دوره یک ساله با این دو مدیر فیلمبردار در بیش از ۱۷ مستند در سراسر ایران همکاری داشتم.

○ تا چند سال به عنوان دستیار فیلمبردار با تلویزیون همکاری کردید؟

کمتر از دوسال دستیاری کردم و بعد از کار در مستندهای ۱۷ قسمتی؛ فرهاد صبا عنوان کرد که مجتبی رحیمی توانایی کار مستقل را دارد و در برخی از این مستندها نیز خودش مستقل کار می‌کرد و اولین کار مستقلم را حول و حوش سال ۵۴ انجام دادم.

○ اولین فیلم سینمایی که کار کردید چه فیلمی بود؟

فیلم بهار اولین ساخته ابوالفضل جلیلی بود. این فیلم در سال‌های اول جنگ کار شد. فیلمبرداری در زمستان به مدت ۵ ماه در جنگل‌های نور انجام شد و بازیگر نوجوان اصلی فیلم مهدی اسدی بود که بعدا در فیلم شیرک داریوش مهرجویی بازی کرد و جلیلی او را از میان تعدادی زیادی متقاضی بازی در نقش اصلی فیلم در یک نانوایی که در ساوه کار می‌کرد انتخاب کرد. مهدی اسدی در فیلم دوم جلیلی (میلاد) نیز ایفای نقش کرد.

○ همکاری با جلیلی جوان و باانگیزه چگونه بود؟

جلیلی در کارش وسواس و دقت زیادی داشت و همین وسواس و دقت، کار مرا سخت می‌کرد. پنج ماه کار در هوای سرد جنگل و دور از خانه و خانواده، واقعاً برایم دشوار بود.

در یکی از سکانس‌های شب، قرار بود مهدی اسدی از آبشاری بپرد و هم‌زمان ماشین‌های آتش‌نشانی باران مصنوعی تولید کنند. پس از جانمایی دوربین و نورپردازی مفصل، جلیلی می‌خواست این سکانس دوباره تکرار شود. دستیاران او آتشی روشن کرده بودند تا بدن و لباس‌های خیس اسدی را خشک کنند و او برای بازی مجدد آماده شود. پس از چندین برداشت متوجه شدم که بر اثر شدت سرما، از سبیل‌هایم قندیل آویزان شده است!

○ در فیلم «بهار» چند دستیار داشتید؟

یک دستیار داشتم که از کارکنان تلویزیون بود و چون سن و سالش زیاد بود عملا کاری انجام نمی‌داد.

○ همکاری شما با محمدعلی طالبی نیز تجربه‌های موفقی به همراه داشت. نخستین همکاری‌تان با او چگونه شکل گرفت؟

نخستین همکاری‌ام با محمدعلی طالبی در فیلم «ابوریحان» بود. این فیلم تولید دشواری داشت و نورپردازی صحنه‌ها با مشعل و نور شمع در چند کاخ تاریخی تهران انجام می‌شد. طراحی نور و نورپردازی برای فیلم‌برداری این سکانس‌ها واقعاً کار دشواری بود.

○ چگونه همکاری شما با رضا کریمی و ورودتان به سینمای بدنه با فیلم‌هایی چون «نشانه عشق ۲» شکل گرفت؟

رضا کریمی کارهای مرا دیده بود. در آن دوران بسیار پرکار بودم و واقعاً فرصت سر خاراندن نداشتم...

○ آیا خوش‌اخلاقی و سرعت عمل شما در کار باعث شده بود میان کارگردان‌ها به فیلم‌برداری شناخته‌شده و پرطرفداری تبدیل شوید؟

در آن سال‌ها، در جلسه‌ای کاری که در خانه سینما داشتیم، یکی از همکاران سرشناس پرسید چگونه است که من با وجود توانایی‌هایی که دارم، فقط سالی یک فیلم‌برداری انجام می‌دهم، اما مجتبی رحیمی بیش از سه یا چهار پروژه را به سرانجام می‌رساند. در پاسخ گفتم شما استاد من هستید و من از روی دست شما مشق نوشته‌ام. اما نکته مهم این است که در این حرفه باید صبر، حوصله، متانت و تحمل داشت. فیلم‌برداری کاری دقیق و دشوار است و اگر صبر نداشته باشید، موفق نمی‌شوید. من سعی می‌کنم این ویژگی‌ها را رعایت کنم و به همین دلیل دوستان کارگردان تمایل بیشتری به همکاری با من دارند.

○ آیا در طول سال‌های فعالیت در سینما و تلویزیون، پیش آمده با کارگردان یا بازیگری دچار اختلاف و چالش شوید؟

فقط یک‌بار با یکی از دوستان کارگردان در تلویزیون دچار چالش شدم. برای من مهم‌ترین مسئله در هر کاری رعایت احترام است و این احترام باید متقابل باشد.

در یک سریال تاریخی دشوار درباره زندگی شاه، به‌عنوان فیلم‌بردار حضور داشتم. طبق روال معمول، همیشه در شروع فیلم‌برداری تلفن‌های همراه خاموش می‌شدند، اما کارگردان تلفن همراهش را خاموش نمی‌کرد. بارها پیش آمد که هنگام فیلم‌برداری یک پلان، زنگ تلفن او به صدا درآمد و مجبور شدیم برداشت را تکرار کنیم.

پیش از شروع کار، کارگردان عنوان کرد که در نه‌سالگی، کار مرا در سریالی درباره فراماسونری دیده و از فیلم‌برداری و نورپردازی‌ام بسیار تعریف کرد. او تأکید داشت که دوست دارد حتماً با من همکاری کند. من هم در جلسات پیش‌تولید بر رعایت احترام متقابل و احترام گذاشتن به دستیارانم تأکید کردم و او نیز این موضوع را پذیرفت.

متأسفانه این توافق عملی نشد. با وجود تأکید من بر اینکه اگر مشکلی با دستیارانم دارد، موضوع را به خودم منتقل کند، او بر سر مسئله‌ای با یکی از دستیارانم با صدای بلند برخورد کرد و فریاد زد. در واکنش به این اتفاق، کار را تعطیل کردم و به تهیه‌کننده گفتم که کارگردان حتماً باید در حضور همه از دستیارم عذرخواهی کند و این کار را انجام داد.

○ همکاری شما با کمال تبریزی در فیلم ماندگار و موفق «لیلی با من است» چگونه شکل گرفت؟

دو نسخه از «لیلی با من است» در قالب سریال و فیلم ارائه شد. کمال تبریزی با من تماس گرفت و گفت قصد دارد یک فیلم کمدی-جنگی بسازد. او با توجه به اینکه کار موفق مرا در فیلم «یاس‌های وحشی» که پس‌زمینه جنگی داشت، دیده بود، تمایل داشت در «لیلی با من است» با من همکاری کند.

○ بازی پرویز پرستویی در «لیلی با من است» نقطه عطفی در کارنامه او بود و باعث شد به‌عنوان یک بازیگر مطرح و ستاره شناخته شود. همکاری با او و دیگر بازیگران فیلم چگونه بود؟

پرویز پرستویی و دیگر بازیگران فیلم، از جمله دکتر عزیزی، هنرمندانی درجه‌یک، خوش‌اخلاق و مسئولیت‌پذیر بودند و همکاری با آن‌ها برایم لذت‌بخش بود.

در آن دوران، استفاده از فیلم «رو» برای فیلم‌برداری صحنه‌های ماشین‌سواری متداول نبود. برای فیلم‌برداری این سکانس‌ها، روی کاپوت یک دستگاه پاترول الوارهایی نصب کردند و دوربین سنگینی روی آن تعبیه شد. امکان حضور هیچ‌کس به‌جز من روی این الوارها وجود نداشت. کمال تبریزی به من گفت که به کارم اعتماد دارد و خودم این صحنه‌ها را فیلم‌برداری کنم.

کار در جاده‌های خاکی اهواز و شهرک سینمایی دفاع مقدس، با آن همه دست‌انداز و چاله‌چوله و در گرمای بالای ۵۰ درجه، واقعاً دشوار و طاقت‌فرسا بود. آفتاب مستقیم به کاپوت می‌تابید و حرارت زیادی از آن بلند می‌شد. شدت گرما به حدی بود که اطراف چشم‌هایم، در محلی که به منظره‌یاب دوربین می‌چسباندم، زخمی و کبود شد.

○ آیا در زمان فیلم‌برداری پیش‌بینی می‌کردید «لیلی با من است» با چنین استقبال و موفقیتی روبه‌رو شود؟

بله. چون سکانس‌های فیلم را خودم فیلم‌برداری کرده بودم، اعتقاد داشتم مخاطب با فضای اثر ارتباط برقرار می‌کند.

○ به چه دلیل همکاریتان بعد از «لیلی با من است» با کمال تبریزی ادامه پیدا نکرد؟

آن زمان دوران پر کاریم بود و سالی ۷ فیلم فیلمبرداری می‌کردم و طبیعی بود که نتوانم فرصت همکاری مجدد را با تبریزی به دست بیاورم.

○ فیلم‌برداری «یاس‌های وحشی» هم کار دشواری بود؟

بخش عمده‌ای از زمان فیلم به مبارزات ورزشی کاراته در خارج از کشور اختصاص داشت. برای فیلم‌برداری این سکانس‌ها به استودیویی در حوالی نازی‌آباد رفتیم که برای این کار تجهیز شده بود. دکوپاژها را بر اساس فضای گرد سالن آماده کردیم و از سیاهی‌لشکرها به‌عنوان تماشاگر، در اطراف سالن استفاده کردیم. برای جذاب‌تر شدن صحنه‌های مبارزه نیز تماشاگران را به‌صورت ضدنور فیلم‌برداری کردم.

○ آیا هنگام عقد قرارداد با تهیه‌کنندگان انعطاف‌پذیر هستید و در صورت درخواست، به آن‌ها تخفیف می‌دهید؟

آدم منعطفی هستم. وقتی می‌دیدم تهیه‌کننده‌ای در مضیقه مالی قرار دارد و از من تخفیف می‌خواهد، با او راه می‌آمدم. به همین دلیل با برخی تهیه‌کنندگان، مثل سیدمحسن وزیری، در بیش از ۱۱ فیلم همکاری کردم. آخرین کارم با ایشان، فیلم «دریاکنار» بود که آن را در ۱۱ روز فیلم‌برداری کردم.

○ سرعت بالای کار یکی از ویژگی‌های شما در فیلم‌برداری است؟

کمتر فیلمی در کارنامه‌ام وجود دارد که فیلم‌برداری آن بیش از سی روز طول کشیده باشد. برای مثال، هنگام ساخت فیلم «هوو» به کارگردانی داوودنژاد، دو فیلم قبلی او با هزینه و زمان زیادی تولید شده بودند، اما فروش چندانی نداشتند. چون با پسرشان رفاقت داشتم، با من تماس گرفت و شرایط را توضیح داد. از من خواست زمان فیلم‌برداری «هوو» را که برخلاف دیگر کارهای پدرش حدود سه ماه طول می‌کشید، کاهش بدهم. به او گفتم اگر پدرتان همراهی کند، فیلم‌برداری «هوو» را در سی‌وپنج روز به پایان می‌رسانم و هزینه تولید هم کاهش پیدا می‌کند. در ضمن، در دستمزد خودم نیز تخفیف دادم. به لطف خدا، فیلم فروش خوبی داشت و داوودنژاد به ثبات مالی رسید.

○ کار با کدام کارگردان برایتان جذابیت بیشتری داشت؟

کار با آرش معیریان لذت بخش است.

این گفت‌وگو مروری بود بر تجربه‌های مجتبی رحیمی از سال‌ها فعالیت در سینما؛ از دشواری‌های فنی فیلم‌برداری و همکاری با کارگردانان مختلف تا شیوه کاری، سرعت عمل و انعطاف او در شرایط دشوار تولید. تجربه‌هایی که از نگاه او، احترام متقابل و شناخت درست از اقتضائات حرفه، بخش جدایی‌ناپذیر کار در سینماست.

